

## پراترز

نگاهی به مفهوم «صنف و کنش صنفی»

## یک پاره مهم جامعه مدنی

پدید آمده است. به هر رو، یک قرن است که برخی از این نهادها در جامعه ایرانی حضور داشته و در بعضی بزنگاه‌های تاریخی کار ساز بوده‌اند. یا نبوده‌اند. بنابراین چندان مایه شگفتی نیست که دغدغه مردم شوند و اندیشه‌وران، گرداگردشان نظریه پردازی کنند. برای نمونه درباره احزاب و نقش آنها در اجتماع و سیاست به آسانی می‌توان کتاب‌ها و جستارها یافت. درست است که در سنجش با کشورهای پیشرفته، همین نیز کاری است خرد و ناچیز، اما سراسر هیچ هم نیست و نمی‌توان آن را نادیده انگاشت.

۲- به گفته بزرگی، در ایران، تاکنون کار صنفی چندانی روی نداده است که درباره آن و تعریف و چگونگی‌اش، گفت و گویی رخ دهد یا گفت‌مانی پدید آید. شوربخانه، «صنف» و مفهوم آن، از آن دست گفتاری است که در جامعه ما، هیچ‌ارج و جایگاهی نداشته و ندارد. به راستی که دریغ از خردترین پژوهشی یا کمترین پردازی درباره صنف و کار صنفی و اهمیت آن! شگفت‌انگیز این که برخی گروه‌های مرجع همچون استادان دانشگاه، دانشجویان، خبرنگاران و آموزگاران، گاه‌گاهی از حقوق صنفی سخن می‌گویند اما خود نیز گویی چندان باوری به آن و جایگاهش ندارند، تا آن بیشتر بگویند و درباره‌اش بیشتر بیندیشند.

باری، با گفتاری و بینگشتنایی، چنین می‌نماید که «صنف‌ها» نیز دارای شباهت خانوادگی‌اند. به دیگر سخن، شاید گوهری یگانه یافت نشود که در نمایانه وازه صنف را، برای همه گروه‌دسته‌های اجتماعی، در بر گیرد و همپوشان باشد. از این رو، پرسشی از «چیستی صنف و کنش صنفی» می‌تواند پرسشی نادرست باشد و بنابراین پاسخی درخور نیز نیاید. گو این که تاکنون، در گفت‌وگوهای پراکنده برخی کوشندگان صنفی، نیز، چنین بوده است، روشن‌ترین آن که، کار و حقوق صنفی هر پیشه‌ای، همسته به تعریف آن پیشه است. برای نمونه، فلسفه‌ای را که برای آموزش و پرورش وارد داریم و تعریفی که از آموزگار و کار صنفی آموزگاران، سایه افکند. از این رو، کار و حقوق صنفی یک آموزگار، را برای نمونه با کار و حقوق صنفی یک قصاب نمی‌توان یکسان شمرد. نیز، به آسانی می‌توان شباهت‌های خانوادگی صنف‌ها را دید و جست‌وجو کرد. بنابراین، می‌توان چنین گفت که افزودن بر جای خالی جستار «کار و حقوق صنفی» در سپهر اندیشگی جامعه کنونی که بایستی با توش و توان اندیشمندان و کوشندگان صنفی، بر طرف شود، بهتر است به جای واژه «صنف» از «صنف‌ها» کمک بگیریم. از یاد نباید برد که حقوق و کار صنفی صنف‌ها، یکی از پاره‌های مهم هر جامعه مدنی است.

کتاب «وینگشتن‌ها» نوشته:

گر بلینگ، برگردان ابوالفضل حقیری، نشر بصیرت، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳



## خبریه

فرخوان ویژه خبریه «همت»

## در شادی نوروزی ۴۰۰ خانواده سهیم شوید

نیازمنداها کند. بر آورد تهیه هر بسته با توجه به هزینه‌های امسال تقریباً ۲۰۰ هزار تومان است یعنی برای تهیه ۴۰۰ بسته، به ۱۲۰ میلیون تومان نیاز است. بسته پیشنهادی همت شامل ۱۰ کیلو برنج، ۲ عدد روغن مایع، ۴ عدد ماکارونی، ۲ قوطی رب، یک بسته چای، ۲ بسته قند، ۲ عدد تن ماهی، یک بسته لوبیا، عدس و لپه، یک مقدار زعفران و یک کیلو پسته است. یک کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی هم برای تهیه مواد پروتئینی به خانواده‌ها اهدا می‌شود البته در این بسته مواد شونده هم در نظر گرفته شده است.

راه‌های کمک کردن به این خبریه هم اکثر مجازی و اسان است و زحمت چندانی برای شما ندارد. می‌توانید به سایت خبریه همت مراجعه کنید و کمک‌های خودتان را به طرق مختلف به دست‌نیازمندان برسانید.

## نگاه منتقد

سایر مناطق حفاظت شده را نیز می‌خواهند در اختیار بخش خصوصی برای طرح‌های گردشگری قرار دهند. سرمایه‌سالارانی که در اظهارات خود، از جزیره آشوراده تعبیر به سرزمین بی‌ارزش شغالان می‌کنند، آیا صلاحیت در اختیار گرفتن حساس‌ترین مناطق اکولوژیک کشور را دارند؟ آیا اگر سازمان حفاظت محیط‌زیست ششونوات خود را حفظ می‌کرد، آیا یک سرمایه‌دار به خود اجازه می‌داد چنین به علم و شعور ۱۰ هزار کارشناس محیط‌زیست کشور توهین کند؟ و از باب مقایسه آیا سرمایه‌داری وجود دارد که جرأت کند این گونه علنی در حوزه بهداشت و درمان مردم اظهار نظر کند؟

مقاومت بی‌ظنیر عده زیادی از دلسوزان محیط‌زیست در برابر بخشیدن جزیره آشوراده به افراد خاص، جدی از تلاش آنها برای حفظ میراث طبیعی کشور، نشانگر علاقه وافر آنان به داشتن سازمانی قوی و مقتدر در امر حفاظت از محیط‌زیست کشور است تا کسی از دولت‌مدان - اعم از مقامات بالادست، هم‌تراز و پایین دست - و همچنین بخش خصوصی - به‌ویژه قدرتمندان مالی - نتواند بدون صلاحیت علمی و حرفه‌ای برای آن تعیین تکلیف کند. در واقع اکنون قسمت قابل توجهی از وظایف آن سازمان را مردم بر عهده گرفته‌اند به امید روزی که چنان آرزویی محقق شود.

واقعیت این است که عنوان ظاهری و ساختار تشکیلاتی متولی حفاظت محیط‌زیست کشور، مشکل اصلی آن نیست بلکه احقاق جایگاه حقیقی آن از نظر مأموریتی که بر عهده دارد، تعیین‌کننده سرنوشت چنین تشکیلاتی است. در واقع برای مدیریت محیط‌زیست کشور، تفاوت چندانی میان سازمانی در حد معاونت رئیس‌جمهوری یا یک وزارتخانه وجود ندارد بلکه مهم این است که خود این تشکیلات و سایرین، به اندازه کافی شئون مأموران آن را رعایت کنند. به‌طور مثال هر گاه که محیط‌بانان کشور عمل - نه ظاهر - اختیارات و امکاناتی در حد سایر ضابطان قوه قضائیه به دست آورند، انگاه می‌توان امیدوار بود که شکار چپان جرأت دست‌اندازی به حیات وحش کشور را پدیدانکنند. شأن تخصصی تشکیلات حفاظت از محیط‌زیست کشور باید عملاً به جایگاه واقعی خود ارتقا پیدا کند. دانشمندان و متخصصان مجرب محیط‌زیست - و نه تئوری پردازان بیگانه با عمل - باید در آن تشکیلات، ارجح‌ترین تخصصی تشکیلات حفاظت از محیط‌زیست باشد. چنانچه در آن، نتیجه این تشکیلات‌ها، در اختیار مدیران عالی‌رتبه باشد. چنانچه در بسیاری از متون معتبر ذکر شده است بی‌توجهی به دانش سنتی حفاظت از محیط‌زیست، سرآغاز بسیاری از تخریب‌های زیست‌محیطی در کشورهای جهان بوده است. فریختگان کشور، خواستار ایجاد و حفظ تشکیلاتی مقتدر و توانا در امر دفاع از سرنوشت محیط‌زیست خود هستند. تشکیلاتی که زیادخواهان و متخلفان نتوانند بی‌محابا به آن بتازند و حرمت آن را لگد کوب کنند. گفتمان زیست‌محیطی باید جایگاهی شایسته میان احاد ملت پیدا کند و این وظیفه هم‌زمان ملت و دولت است. مطالعه حقوق زیست‌محیطی توسط احاد جامعه باید از سوی متولیان محیط‌زیست کشور عملاً مورد اهتمام قرار گیرد تا دست‌اندازی عده‌ای اندک در سرنوشت ملت - بنام سرمایه‌گذاری - متوقف شود. سرمایه‌سالاری - که تجربه‌های شگست خورده در دنیای غرب و به‌ویژه ایالات متحده است - باید جای خود را به حاکمیت فریختگان جامعه بر محیط‌زیست کشور بدهد. مصالح زیست‌محیطی کشور و جامعه باید غیرقابل معامله و مصالحه تلقی شود تا حفظ سلامت محیط‌زیست منجر به حفظ سلامت افراد شود.

## یادداشت

زنان و مسأله اجتماعی کار

## به آنها باور کار آفرینی را یاد بدهید

به زنان و دخترانی فکر می‌کنم که احتمالاً به اندازه کافی شاد، شجاع و خوشبخت نیستند

می‌دارم کمی شعراگونه می‌نویسم، اما ما به مقداری شعرا در این قسمت نیاز داریم. نرخ بیکاری زنان جوان براساس آمار اعلام شده در تابستان ۹۳ برابر با ۴۳.۴ درصد است. این آمار در ۲۴ استان کشور بیش از ۵۰ درصد و در ۱۱ استان بیش از ۶۰ درصد و در ۸ استان بیش از ۷۰ درصد است. ما ایلام را هم داریم که نرخ بیکاری در آن به

تیرستند. به آنها پیام‌بازید که کار واقعاً کار نیست. خجالت نکشند از این که باید از صفر و از کارهای کوچک شروع کنند. قدم به قدم جلو رفتن را به آنها یاد بدهید و از آنها نتایج درخشان و موفقیت‌های بی‌ظنیر را لاقط در اول کار نخواستید. به دخترانتان بگویید که دانشگاه و مدرک دانشگاهی تضمین شغل و تجربه برای کسی به وجود نمی‌آورد.



نمی‌دهد و این در حالی است که خود مردم می‌توانند رأساً از وزارتخانه متولی بهداشت و درمان، مطالبات بهداشتی و درمانی مشخص و صریح داشته باشند.

اگر چه نمی‌توان وجود تخلفات بیشمار در حوزه بهداشت و درمان کشور را انکار کرد اما متخلفان این حوزه جرأت مقابله علنی با تشکیلات متولی آن را کمتر پیدا می‌کنند و بیشتر رو به تخلفات پنهان یا ناشناخته - از دید مردم - می‌آورند. امید آن که با کسب دانش صحیح بهداشتی و درمانی - به‌ویژه با توجه به طب سنتی ایرانی - متخلفان بهداشت و درمان مردم - از جمله تولیدکنندگان قفسه فودها - در انزوا قرار گیرند. متأسفانه بی‌حرمتی‌هایی از این دست به سازمان متولی حفظ محیط‌زیست کشور تازگی ندارد. سال‌هاست که بخش خصوصی و دستگاه‌های دولتی به سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان تشکیلاتی در چه دوم و حتی مزاحم می‌نگرند که در هر صورت می‌توان با آن مصالحه کرد. اما واقعاً این سازمان، تشکیلاتی در چه دوم یا مزاحم است؟ به واقع چنین نیست و حفاظت از محیط‌زیست وظیفه‌ای است که نه تنها بر دوش آن تشکیلات قرار دارد بلکه آحاد ملت بدان موظفند. محیط‌زیست چیزی است

که مانند بهداشت و درمان مردم، مستقیماً با مصالح نسل فعلی و نسل‌های بعدی سرو کار دارد و حقیقتاً قابل‌چانه‌نی است. مصالحه نیست. اتفاقات چند ساله اخیر در حوزه محیط‌زیست کشور به خوبی نشان داده که تا چه حد این موضوع، در چه یک و حیاتی است: خشک‌شدن دریاچه ارومیه، آلودگی هوای شهرهای بزرگ، گرمایش کره زمین، خشکسالی‌های متوالی، بیماری‌های ناشی از آلودگی‌های غذایی و هزاران نمونه دیگر از مسائل شناخته شده یا کمتر شناخته شده زیست‌محیطی همگی گواه اهمیت رتبه یک حفاظت از محیط‌زیست - هم‌رده بهداشت و درمان مردم - است. اخیراً موضوع تاسف برانگیز ریزگردها در استان عزیز خوزستان و رنجی که مردم دلاور آن خلع تحمل می‌کنند، همگان را نسبت به موضوع محیط‌زیست حساس کرده و مطالبات به حقی را موجب شده است. بدین ترتیب آیا محیط‌زیست شایسته تشکیلاتی دخالت افراد غیرمستول و غیرمتخصص را به آن

## آرش خیراندیش

عضوستاد مردمی نجات‌آشوراده (سمنان)



چندماه پیش یکی از مقامات دولت در برنامه‌های زنده از تلویزیون، در مورد انتقال آب دریای خزر به فلات ایران سخن گفت. ایشان از جلسات خود با سازمان حفاظت محیط‌زیست در مورد انتقال آب دریای خزر خبر داد و بیان کرد: تاکنون سازمان حفاظت از محیط‌زیست با این طرح موافقت نکرده است اما تلاش می‌کنیم موافقت آن را جلب کنیم! نگارنده به‌عنوان یک دلسوز محیط‌زیست کشور به شدت از این اظهار نظر احساس اندوهی جانکاه کرد. جدای از این که مخالف انتقال آب بین حوزهای هستیم - و لذا بلافاصله واکنش خود را به آن برنامه در قالب یادداشتی اعلام کردم - به وضوح شاهد بی‌احترامی به سازمان بوده که در جایگاه معاونت ریاست‌جمهوری بوده و وظیفه‌های سنگین بر عهده دارد. در واقع پیام اصلی آن ادعا این بود: برای پیشبرد پروژه‌های عمرانی، تمامی قوانین، مقررات و کارشناسی‌های زیست‌محیطی قابل‌چانه‌زنی است.

اخیراً نیز یکی از مقامات میانی دولتی در مورد واگذاری جزیره آشوراده به بخش گردشگری چنین گفته است: «تیس‌جمهوری و معاون اول وی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعدیل نقطه‌نظرهای محیط‌زیست و مشخص شدن حدود در خواست سازمان گردشگری داشته‌اند».

اکنون سوال من این است: آیا کسی - حتی در حد عالی‌ترین مقام دولت - می‌تواند در مورد مصالح بهداشتی یا درمانی مردم علناً با وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی چانه‌زنی کرده یا به او امر و نهی کند؟ فرض بفرمایند کارخانه‌های لبنی برای اضافه کردن روغن پالم به محصولات خود متوسل به وزیر صنایع و معادن می‌شوند و وزیر مربوطه اعلام کند در حال راهی کردن وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای قبول این فرمول هستیم! این مصالح به گونه‌ای است که وجدان عمومی مردم و فرهیختگان جامعه، اجازه دخالت افراد غیرمستول و غیرمتخصص را به آن

## فائزه درخشانی

فعال مدنی



آیا زن کارآفرینی را دور و بر خود می‌شناسید؟ کارآفرینی را فقط در نسخه‌های بزرگ‌تر در نظر بگیرید. به معنای‌ها و کارهای خانگی هم فکر کنید. تحقیقات زیادی در زمینه درآمد زنان در کشورهای مختلف جهان از فقیر تا غنی، انجام شده است. این تحقیقات نشان داده‌اند، فواید درآمد زنان به شکل آشنایی به کل خانواده و جامعه می‌رسد. زنان بیش از مردان درآمدشان را صرف تحصیلات و سلامت کودکانشان می‌کنند که نتیجه مستقیم آن آینده‌ای برپایه برای آن جامعه خواهد بود.

خب از این مقدمه می‌خواهم چه استفاده‌ای بکنم؟ می‌خواهم بگویم به دخترانتان یاد بدهید و از آنها بخواهید که به دنبال کسب درآمد باشند. یادشان بدهید اگر کارمند بودن را دوست ندارند یا این که امکان استخدام در جایی برایشان فراهم نبود، می‌توانند کارآفرین باشند. منظورم این نیست که مهارت‌های فنی لازم در این قسمت را به آنها بیاموزید. نه، این چیزها را خودشان یاد خواهند گرفت. به آنها باور و اعتماد به نفس بدهید. به آنها یاد بدهید که شجاع باشند و از شکست